

تحلیلی تاریخی از

موسیقی اسپانیا

۱- دوران قدیم و قرون وسطی

در راه اثبات این ادعای صادق که مجله موسیقی بر این قصد است تا آموزش‌دهی محتوی خویش را گسترش دهد، و بخصوص شناسائی موسیقی ملل مختلف جهان را برای خوانندگان ارجمند، تسهیل و ممکن سازد، از این شماره به تحلیلی تاریخی و عمیق از «موسیقی اسپانیا» دست می‌گیریم. حصول اطمینان بیشتر از صحت و واقعیت محتوی این تحلیل مستلزم آنست که بدانیم، شخص صالحی چون «خوزه سویرا»، عضو آکادمی سلطنتی هنرهای های زیبا و منشی انستیتوی موزیکولوژی، در مادرید، باین مهم پرداخته است. امید است برای علاقمندان و پژوهندگان مشتاق، سودمند افتد.

مقدمتاً باید دید مقصود از موسیقی اسپانیا چیست؟ تصور می‌رود باید تمام انواع موسیقی (بومی یا غیر بومی) را که در سرزمین اسپانیا ایجاد و اجرا و تدریس شده است در این نام گنجانید. طبیعتاً هرچه ما در تاریخ تمدن بعقب برگردیم تا به زمانهای قبل از تاریخ برسیم بهمان اندازه هم مصنفین و

اجرا کنندگان موسیقی اسپانیا نامشخص تر و ناشناخته تر خواهند شد. با وجودیکه مناطق متعدد و روابط مختلف بین مردم از ازمینه بسیار قدیم روی فولکلور اسپانیایی تأثیر عمیق بجای گذاشته است، مردم شناس بزرگ دکتر ماریوس اشنایدر وجود يك يگانگی موزیکال را در شبه جزیره «ایبری» خاطر نشان کرده است. بعقیده وی دو نمود پر ارزش بسیار قدیمی در خاک اسپانیا قدرت نمایی کرده اند که عبارتند از: منبع مدیترانه ای و دیگری منبعی که از تمدن نواحی آلپ سرچشمه گرفته است. اگرچه امروزه خیلی معمول است که قسمتی از موسیقی عامیانه بعضی از نقاط اسپانیا را به موسیقی عرب نسبت دهند اما مؤلف نامبرده معتقد است که این نمونه ها منشاء قبل از اسلامی داشته و از جانب دیگر آن قسمت از موسیقی اسپانیا که بنظر میرسد تحت تأثیر موسیقی عرب قرار گرفته، از موسیقی ایران مشتق شده که از زمانهای بسیار قدیم توسط نوادهای مدیترانه ای اجرا میشده و بوسیله همانها در جهات گوناگون پخش گردیده و حتی به سرزمین دورهند نیز رسیده است. بعلاوه قبل از اینکه عربها بعد از بعثت حضرت محمد باشاهت جنگجویی خود تفوق خویش را در شبه جزیره ایبری دوباره بدست آورند و شکوه و جلال مافوق تصویری در شهرهای «اشبیلیه»^۱ و «قرطبه»^۲ ایجاد کنند موسیقی - دانان حرفه ای زیادی در این دو شهر وجود داشتند که عرب نبودند بلکه ایرانی یا یونانی و با ازاهاالی بیزانس بودند. هنگامی که عربها به شبه جزیره ایبری تهاجم کردند کمی از شروع قرون وسطی گذشته بود. و مردم شناسی تطبیقی نکات جالبی را از این دوره برای ما روشن نموده است.

در زمان قدیم تأثیر دودسته مردم مستعمره گر - فنیقی ها و یونانی ها و دودسته دیگر مهاجمین: اهالی قرطاجنه (کارتاژ) و رومی ها، بر اسپانیا سنگینی میکرد. تمام آنها عادات خاص و همچنین يك حرص مشترك برای تسخیر اسپانیا به همراه داشتند. قبل از این نفوذ چهار جانبه یعنی در دوران ماقبل تاریخ افراد دیگری نیز تأثیر خود را بر مردم بومی بجای گذاشته بودند. یکدسته از آنها که اقوام «ایبری» بودند از جنوب افریقا بسوی

۱ - (Siviglia) - Sévile

۲ - Cordoue

اسپانیا روان شدند و دیگران یا اقوام «سلت»^۱ که متعلق به نژاد آریائی بودند از راه جبال پیرنه یعنی از شمال، نفوذ خود را بر اسپانیا تحمیل کردند. اجتماع این دو قوم سبب ایجاد بخشی از مردم شناسی جدید بنام «سلت-ایبر»^۲ شد. این قوم جدید که در تمام خاک اسپانیا پخش شدند بدون شك موسیقی را دوست داشتند و چنین بنظر میرسد که بعدها آداب و رسوم خود را با همزیستی حفظ کردند بدون اینکه اقوام مستعمراتی و یا مهاجم بتوانند آنها را از بین ببرند. شاهد این امر آثار نویسندگان آنها از قبیل «سیلیوس ایتالیکوس» و «دیودوره دوسیسیل» و «استرابون» و غیره میباشند.

بعلاوه نمونه‌هایی از هنرهای دستی آنها برای ما بیادگار باقی مانده است. نقاشی‌های «کوگول»^۳ در «له‌ریدا»^۴ و گلدانهای در «والانس» و نقوش جنگجویان «اوزونا» در «آندالوزیا» آلات موسیقی را نشان می‌دهند که گاهی توسط زنها و زمانی توسط مردان نواخته میشده است. از قبیل فلوت‌های مستقیم و خمیده و کلارینت‌های روستائی و شیپورهای جنگ. از علاقه فراوان مردم به موسیقی بهنگام جنگ نیز کاسته نمیشد. علاوه بر لوازم موسیقی که نقوش آنها نقاشی و یا حک شده است، در خرابه‌های «تومانس» لوازم موسیقی حقیقی پیدا شده که در بین آنها ترومپت‌های مختلف بادایره‌های تزئینی تنگ شونده بچشم میخورد. دهانه خارجی این ترومپت‌ها بشکل آرواره‌های باز موجودات حیوانی درست شده که شاید از روی طبیعت اقتباس گردیده و با درائر تخیلات هنری خلق شده است.

فنیقی‌ها اولین قوم مستعمراتی بودند. مؤلف کتاب «تاریخ موسیقی اسپانیا» که در چهار جلد و در قرن گذشته منتشر شده است بنام «ماریانو سوریانو فوئرتس»^۵ بیش از آنکه تابع قوانین انتقادی باشد، تحت تأثیر حس میهن‌پرستی قرار گرفته و در تشریح وقایع بعد از آمدن فنیقیها یعنی ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح تا سال ۱۸۵۰ بعد از میلاد مسیح دچار اشتباه شده است. این مؤلف بدون هیچگونه دلیلی تأکید میکند که این اقوام نه فقط

Celt - Ibère - ۲ Celtes - ۱

Lerida - ۴ Cogul - ۳

Fuertes - ۵

آوازه‌های خود بلکه روش به نت در آوردن آوازه‌ها را نیز در شبه جزیره ایبریا
تعلیم میدادند. و این در واقع خیال صرف است؛ فنیقی‌ها مردمی ماجراجو و
تاجر بودند و از شهرهای «سیدون» و «تور» (دو شهر موسیقی دوست آن
آن زمان) امتعه خود را در تمام نواحی مدیترانه پخش میکردند و بعد از تنگه
جبل الطارق گذشتند و به سرزمین ایبریا رسیدند.

گادیز، مالاگا، سویل (اشبیلیه) و کوردو (قرطبه) را احداث کردند
و امروزه در این نواحی رد اثری از نفوذ آنها در هنرهای زیبا - در آنچه
مربوط به هنرهای تزئینی و پلاستیک است - بچشم میخورد اما با وجودیکه
آنها تا تاریخ ۵۱۶ قبل از میلاد که توسط قوم قرطاجنه منکوب شدند در
اسپانیا ساکن بودند، هیچ تأثیری از نظر موسیقی از خود بجای نگذاشته‌اند.
اقوام هلنی (یونانی) در دوره فنیقی‌ها تأثیر مثبت تری بجای گذارده‌اند
زیرا آنها شهرهای مختلفی از قبیل «دنیا»^۱ و «روزاس»^۲ را در ساحل
مدیترانه بنا نهادند و تشعشع هنر آنها توسط قطعات کاشی کاری و حجاری
که بما رسیده تأیید میشود. معیناً در زمینه موسیقی تأثیر آنها کاملاً برای ما
نامحسوس است. اگرچه بنظر میرسد که بعضی تأثیرات موسیقی آنها در روح
مردم بومی - که هلنی‌ها با آنها روابط صلح جویانه و تجارتي برقرار کرده بودند -
وارد شده باشد.

بعد از مستعمرات چیان نوبت مهاجمین فرا رسید. از حیث زمانی قوم
قرطاجنه مرحله مقدم را اشغال میکنند. هنگامیکه قوم قرطاجنه توانستند
مستعمرة ثروتمند افریقائی تور را که توسط فنیقی‌ها تأسیس شده بود شکست
دهند، خوی جنگجویی آنها تشدید یافته به هجوم به مناطق وسیع تری مصمم
شدند. از آنجمله مقدار زیادی از خاک اسپانیا را تصرف نمودند. این قوم چون
فاقد شخصیت و روح ابداع بودند ارزش هنری ضعیف خود را فقط با بجای
گذاردن چند ماسک و چند صورت از گل پخته که مشخص آنها زشتی و
بدقوارگیشان میباشد نشان دادند. تفوق قوم قرطاجنه بر خاک اسپانیا از
۵۱۶ تا ۲۱۶ قبل از میلاد مسیح ادامه داشت.

اگر نفوذ قوم قرطاجنه تقریباً هیچ بود برعکس تأثیری که اهالی

روم در جریان تهاجمات پشت سر هم خود برخاک اسپانیا بر جای گذاشتند
بینهایت قوی بود. دورهٔ تفوق رومی‌ها برخاک اسپانیا شامل دو مرحله است
یکی؛ دورهٔ جنگ که از ۲۰۵ سال قبل از میلاد شروع شده و پس از جنگ‌های
زیاد با از بین رفتن مقاصد استقلال طلبانهٔ مردم اسپانیا در سال ۱۹ قبل از
میلاد پایان پذیرفت و دیگر؛ دورهٔ تسلیم، که تا سال ۴۱۴ بعد از میلاد که
هجوم اقوام وحشی شروع شد و مقارن با طلوع قرون وسطی بود ادامه یافت.
بعد از یک دورهٔ طولانی و آهسته، تمدن «هیپانو-رومن» یک محصول
غنی بیار آورد. چندتن از سزارهای روم از اهالی اسپانیا بودند. در زمینهٔ
فکری شاعران و درام نویسان بزرگی ظاهر شدند که از آنجمله
خوانندهٔ اشعار رزمی دورهٔ قرطاجنه بنام «کایوس سیلیوس» را میتوان
نام برد. در زمینهٔ مذهب دو نقطهٔ درخشان در تاریخ اسپانیا میدرخشد یکی
متفکر بزرگ «داماس» اول که تصور میکنند مؤلف اشعار مذهبی باشد
و دیگری «اورلیوس پرودانس» ملقب به «هوراس مسیحی» که آثار او
متعدد او توأم با موسیقی مربوطه در دنیای آن زمان بخش گردیده است.

با وجودیکه گذشت زمان بسیاری از رسوم را تغییر داده است، معیناً
تئاتر یونانی در «ساگونت» و تئاتر رومی در «مریدا» امروزه هنوز انعکاسی
از ارزش هنری قدیم را خود را حفظ کرده اند. در ازمنهٔ قدیم در این تئاترها
و همچنین در تئاترهای دیگری که جز خرابه‌هایی از آنها باقی نمانده است
نغمات آوازی و قطعات سازی در جریان نمایش مترنم بود. یک نمونهٔ کار
دستی مربوط به دورهٔ تفوق رومی‌ها که اخیراً در غاری در قرطبه کشف شده
است قدرت تهییج کنندهٔ موسیقی را نشان میدهد. این اثر، «باکوس» خدای
شراب و عشرت را نشان میدهد که افراد زیادی حلقه وار دور او قرار گرفته اند
و یکی از آنها در دست راستش یک طبل قدیمی را نگاه داشته است و در دست
چپش یک آلت موسیقی با طول کوچکتری قرار دارد. یکی دیگر از این
افراد همزمان با دیگران فلوتی مستقیم و خمیده را مینوازد.

رومی شدن مطلق خاک اسپانیا افراد بومی را بر آن داشت که کم و
بیش زبان و عادات و موسیقی قوم فاتح را بپذیرند اما رومی‌ها نیز کم و
بیش سازها، ملودیه‌ها و رقص‌های ایبریا را بسوی کشور خود صادر کردند.
بخصوص قاشقکها (کاستانت) که زنان جوان اهل «گادیتا» آنرا با

استادی بصدا در میآوردند و این موضوع در اشعار شعرای رومی آن زمان بوضوح دیده میشود.

در مقابل صدور رقصها و ملودیههای آوازی، اشعار مذهبی پرودانس شاعر اسپانیایی که او را هوراس اسپانیا مینامند نیز تأثیر زیادی در اقوام مجاور کرد چنانکه در کلیسای اقوام شمالی ۱۶ و در کلیسای روم ۵ اثر از آوازههای مذهبی نامبرده اجرا میشد.

✱

هجوم اقوام وحشی شمالی به اسپانیا شروع قرون وسطی را مشخص میسازد. برای اسپانیا شروع قرون وسطی از حیث زمانی بعد از سال ۴۱۴ میلادی میباشد. در آن سال فرمانده بربرها امپراطوری خود را در سرزمین «کاتالا» تأسیس نمود و در بار خود را در شهر بارسلون مستقر کرد. امپراطوران بعدی بتدریج سلطه خود را در تمام خاک اسپانیا برقرار کردند. این قوم آریائی، مذهب مخصوص خود را حفظ نموده بودند. تا اینکه در سال ۵۶۸ امپراطور «ریکاره دو» دین کاتولیک را، رسمی اعلام کرد و دستور داد اوراق رسمی دولتی بزبان لاتین نوشته شود. در این دوره آنها خود را با موسیقی مذهبی مشغول می کردند زیرا معتقد بودند که آوازههای مذهبی عنصر مهمی در مراسم دینی میباشد. دوره تسلط اقوام شمالی مدت سه قرن ادامه داشت، اما بدون آنکه حاوی اثری باشد (مگر در زمینههای حقوقی) پایان یافت.

جنگ «گوادالت»^۱ در ۷۱۱ راه را برای هجوم مسلمانان باز نمود. اما بتدریج ایالات مختلف خود را از یوغ نفوذ مسلمانان نجات میدادند و ایالات مسیحی یکی پس از دیگری تشکیل میشد و بالاخره یگانگی سیاسی و مذهبی اسپانیا در سال ۱۴۹۲ ایجاد گردید در این سال پس از هشت قرن که از سلطه اعراب میگذشت بمدد یگانگی ملی، مذهبی و سیاسی پادشاهان اسپانیا شروع به حکمروائی کردند.

این مطالعه اجمالی بما نشان میدهد که چطور در قرون وسطی موسیقی اقوام مختلف در خاک اسپانیا ریشه دوانیده است.

شهر «تولدو»^۲ مرکز قدیمی امپراطوری بربرهای شمالی، شاهد عدم علاقه عربها به موسیقی بود اما هنگامیکه مسیحیان آن شهر را فتح کردند

Toledo - ۲ Guadalete - ۱

باز مقام بزرگ خود را از حیث موسیقی بازیافت. در این شهر موسیقی همیشه اهمیت زیاد داشت. موسیقی مذهبی اقوام شمالی با تمدن روم اولیه که جای خود را بآن داده بود اختلاف داشت و در ملودیه‌های آن عناصر مختلف از ییزانس و «گالیکان» و حتی هلند بچشم میخورد و یکی از اسقف‌های سویل عاقبت آنها را جمع و متحد نمود. در این زمان در شهرهای مختلف اسقف‌ها مکاتب موسیقی جدیدی تأسیس نمودند و تمام آنها آوازهای مذهبی و نغمات دیگری تصنیف کردند و این محصول موسیقی وسیع به نام اشخاصی که آنها را جمع کرده بودند یاد محلی که بوجود آمده بود معروف شد.

امروزه تمام این آوازه‌ها در بیست جلد (که در قرن دهم و یازدهم تحریر شده) محفوظ مانده و لیست تمام آنها را «ماربوس فروتین» تهیه کرده است. مهمترین این کتابها در کلیساها و صومعه‌ها و کتابخانه‌های مالک مختلف پخش شده است. کتاب «آنتی فونردولتون» از این جمله میباشد که در ۱۹۵۳ چاپ و منتشر شده است اما چون بانث نویسی عددی نوشته شده قابل خواندن نیست. تا اواسط قرن یازدهم آوازهای «موزارابا»^۱ (یکدسته از اقوام شمالی) در تمام شبه جزیره اسپانیا (بجز پرتغال که از قرن هفتم به رسوم رومی پای بند بود) متداول بود.

در ایالت «کاتالان» نیز موسیقی روم قدیم مرسوم بود. در این دوره موسیقدانان بزرگی پیدا شدند و شیوه بولیفونی را که تازه ابداع شده بود بکار بردند. از همه آنان بزرگتر پدر مقدس «اولیوا» بود. مدارس موسیقی دیگری نیز در سایر شهرهای ایالت کاتالان تأسیس شد. در سال ۸۸۸ در شهر «تونا» ارگ در آوازه‌ها بکار رفت و این آلت موسیقی بتدریج در تمام ایالت کاتالان منتشر شد بطوریکه در اواسط قرن یازدهم با افتخار از ارگ نوازی بنام «لوکاس دوتارا گونه» نام میبردند.

آوازهای «موزارابی» در ایالات لئون و کاستیل که تحت یک فرمانروا بودند هنوز باقی بود، تا اینکه فاتح شهر تولدو «آدولف ششم» آنرا برخلاف میل مردم ملغی کرد و این درست در زمانی بود که در اثر نزاع‌های قضایی

این ضرب‌المثل شایع شده بود: «قوانین جائی میروند که فرمانروایان مایل باشند!». معیناً رسوم ملی که بر اساس آوازهای موزارابی پایه‌گذاری شده بود بطور استثنائی در بعضی کلیساهای تولدو باقی‌ماند و چون در اثر مرور زمان این آوازا بتدریج از بین رفته بود اسقف «سیسزوس» چنین وانمود کرد که رسوم موزارابی را دوباره در قرن شانزدهم بصورت اول درآورده است. اما در سه آوازی که برای گروه کر تنظیم کرد متن آوازا را تغییر داده و مفادی در آنها گنجانده بود که نسبت به رسوم اولیه بیگانه مینمود. هنگامی که این اشتباهکاری شناخته شد شخصی بنام «برواربو گوتیکو» نسخه تازه‌ای از این آثار را بسال ۱۷۷۹ در مادرید منتشر کرد که بعلمت اعمال نظریات شخصی با واقعیات تاریخی بهیچوجه تطبیق نمیکرد.

با ورود آوازهای رومی در ایالات کاستیل و لئون و سایر ترویج آنها توسط اسقف تولدو بنام «برنارد» (متوفی بسال ۱۱۲۴) باسانی فراهم گشت و از آن پس آوازهای رومی نه فقط در مکتب تولدو بلکه در سایر مکاتب با اهمیت دیگر نیز رخنه کرد.

در کتابخانه‌های مادرید، بارسلون، رم و کلیساهای تولدو آوازهای دسته جمعی آن دوره را توأم با موسیقی «گریگورین» حفظ کرده‌اند. در آرشیو کتابخانه مادرید مقدار زیادی آوازهای مذهبی و موت‌ها وجود دارد که نشان دهنده نفوذ کلیسای «نوتردام» پاریس در تولدو میباشد.

دو مجموعه آوازهای قدیمی اسپانیائی که تا کنون حفظ شده است اهمیت خاصی دارد. یکی از آنها «Liber Santi Jacobi» مربوط به قرن دوازدهم، حاوی آوازهائی است که زائرین سرزمین «فلاندر» که با اسپانیا می‌آمدند، بزبان لاتینی میخواندند و در پایان آنها، قسمتی را بزبان کشور خودشان تکرار میکردند و ملودیهای آن خیلی شبیه به ملودی آوازهای زائرین «سنت ژاک» میباشد که در قرن هیجدهم چاپ گردیده است. بعلاوه در این مجموعه تعداد زیادی «دیسکانت»^۱ وجود دارد که برای دو صدا و سه صدا نوشته شده است آهنگ سه صدائی مزبور قدیمترین اثری است که در نوع خود تصنیف شده است.

مجموعه دوم «Codex de las Huelgas» که در ۱۹۳۱ چاپ شده، حاوی موسیقی پولیفونیک قرون سیزدهم و چهاردهم و شبیه به رپر توار آوازهای مذهبی کلیسای نوتردام پاریس است و نشانه نفوذ مثبت و مؤثر هنر فرانسه در موسیقی اسپانیای آن زمان میباشد.

در آن زمان «اورگانوم» را در دانشگاه‌های اکسفورد و پاریس درس میدادند و چون پادشاه «آلفونس دهم» ملقب به «حکیم» تشکیلات نوینی به دانشگاه «سالامانکا» داد تعلیم اورگانوم را در ۱۲۵۴ در برنامه آن وارد نمود. این پادشاه برجسته به حقوق و نجوم و مخصوصاً موسیقی علاقه فراوان داشت و در این زمینه نتیجه زحمات او را ضبط کرده‌اند که عبارت است از: آوازهای تک صدائی متعدد که بیشتر از چهارصد اثر از آنها در مجموعه اشعار تغزلی «سنت ماری»^۱ جمع شده است و هنوز امروزه در مجموعه‌های مختلف موجود میباشد و مطالعه و تنظیم آنها بعد از اقدامات بی نتیجه «ژولیان ریبرا» باهتمام و پشتکار «هیگینیو آنجلس»^۲ انجام پذیرفت. این شخص رمز صحیح ملودیها را با مراجعه به مجموعه‌هایی که نت نویسی آنها مشابه نبود بدست آورد. کانتیگاها یا ترانه‌های تغزلی شامل دودسته سرود بودیکی «رون دو»‌هایی که از روی متن لاتین در قرن دوازدهم خوانده میشد و دیگری «رون دو»‌هایی که توسط «تروبادور»‌ها با عبارات تقدس آمیز در دربار کاستیل اجرا میشد به علاوه شامل «ویروله»^۳‌هایی (نوعی آواز فرانسوی در قرون وسطی) بود که بطرزی مخصوص ساخته شده بود.

ترانه‌های تغزلی برای دوست «Cantigas de amigo» که توسط تروبادور اهل گالیس «مارتین کودا کس» نوشته شده و شش اثر آن بدست ما رسیده است، قدیمی ترین نمونه ترانه‌های عاشقانه اروپائی است که از دهان زنان خارج شده است. ولی کتابهای محتوی ترانه‌های بعدی «Cancionero» که تماماً ادبی است، توسط موسیقیدانهای مشهوری مانند «مارتین دوتانیه

۱ - Cantigas de Santa Maria

۲ - Higinio Anglés

۳ - Virelet

دور^۱ ساخته شده که نام او در کتاب اشعار «بائنا» ذکر شده است. نامبرده مسلماً ترانه‌هایی میخوانده است که در اصل پروانسی^۲ میباشد. در قرن یازدهم بند بازان در زندگی اجتماعی اسپانیا اهمیتی بسزا داشتند و این موضوع را «منندث پیدال» بادقت تمام به ثبوت رسانده است. این بند بازان در جشن‌های عروسی دختران شهر «سید» و بعضی شاهدختها و همچنین در موقع ورود مظفرانه «آلفونس ششم» به تولد و آواز میخواندند و بازی در می‌آوردند. آنها در مدت چند قرن در دربار اسپانیا احترام زیاد داشتند و هدایایی بآنها تقدیم میشد. آلفونس دهم ملقب به حکیم و پسرش «سانچ» چهارم ملقب به دلیر توجه زیادی به نوازندگان «ویپوئلا»^۳ (گیتارهای اولیه) داشتند.

تروبادورهای پروانسی نیز باشوق زیاد در دربارهای مسیحی اسپانیا پذیرائی میشدند چنانکه «فردیناند سوم» ملقب به «مقدس» میل زیادی به غزلسرائی تروبادورها داشت و حتی در موقع ازدواج با «بئاتریس سواب» از ترانه سرایان آلمانی «Minnesinges» (جماعتی از شاعران ترانه‌خوان آلمانی در قرن دوازدهم که از طبقه اشراف بودند) نیز دعوت کرد. پسر او آلفونس حکیم چنان شیفته تروبادورهای پروانسی شد که گروهی بیست نفری از آنها همیشه با او در رابطه بودند و بنام او اشعاری میسرودند.

توجه نسبت به تروبادورهای پروانسی در دربار کاتالون و آراگون نیز کمتر از دربار آلفونس دهم نبود. از همان اوایل، تئوژمذهبی در اسپانیا مورد توجه بود و این موضوع از تروبادورهای مختلف و کتابهای دعا معلوم میشود. از اواخر قرن دوازدهم و

۱ - Tenedor

۲ - پروانس ناحیه‌ای در جنوب فرانسه در اطراف بندر مارسی میباشد که اهالی آن بزبانی شبیه اسپانیولی تکلم میکنند و در قرن نوزدهم شاعر بزرگ بنام میسترال اشعار زیادی باین زبان سرود و این زبان را احیا نمود.

۳ - Vihuela

۴ - Tropario - مجموعه‌ای از اشعار کوتاه که در بین مزامیر اجرا میشد و اصل آن از یزانس است.

ابتدای قرن سیزدهم درامی از زندگی پادشاهان مجوس بزبان عامیانه نوشته شد. قبل از آن نیز درام آواز «سیبلا»^۱ نوشته شده بود که انتشار فراوانی یافت و در تمام اسپانیای مسیحی تا مدت‌ها باقی بود و آنرا در شب‌نومل ابتدا بزبان لاتینی و پس از آن بزبان عامیانه میخواندند و همانقدر که در شبه جزیره اسپانیا شهرت داشت در جنوب فرانسه نیز مشهور بود و از قرن دهم و شاید قبل از آن در کلیساهای شهرهای مختلف بخصوص شهرهای قرطبه و ریول اجرا میکردند. در قرن چهاردهم این ترانه که تا آنوقت يك صدائی بود شکل چهارصدائی بخود گرفت. از اواخر قرن سیزدهم قطعه‌ای بنام «میستر یودوالچه»^۲ را بزبان لیموسی میخواندند و وجه تسمیه از آن ناشی بود که در شهر الچه نشان داده میشد. و این اثر آنطوریکه امروزه بدست ما رسیده شامل قطعات ابتدائی يك صدائی است که حاوی مقدار زیادی «ملیسم» (یکدسته‌نت که بایک سیلاب شعر خوانده میشود) میباشد و قطعات چندصدائی نیز دارد که مربوط به قرن شانزدهم است و برای یکی از این قطعات، یکی از اشعاری را که تروبادوری بنام «رمبودو واکوئیراس» ساخته بود انتخاب کرده بودند.

تأثیر غیر مذهبی خیلی دیرتر موجودیت خود را نشان داد. «پدرو-کونتالک دومندوثا» قطعات تئاتری توأم با آواز تصنیف کرد که براساس نمونه‌هایی بود که «پلوت»^۳ و «ترانس»^۴ ایجاد کرده بودند اما امروزه هیچ رد اثری از این آثار باقی نمانده است و همانطور هم موسیقی و قسمتهای آوازی درامهائی که شاعری بنام «گومز مانربک» تصنیف کرده بود از بین رفته است.

در سالهای آخر قرن پانزدهم شاعر موسیقیدان «خوان دل انسینا»^۵ (۱۵۲۹-۱۴۶۹) که قطعات کوتاه يك پرده‌ای تصنیف کرد که همراه بایک آواز پولیفونیک بود. گاهی نیز قطعات پولیفونیک دیگری در میان نمایش گنجانده میشد. تعدادی از این آثار امروزه باقی مانده است. «خوان دل انسینا» در

۱ - Cants de la Sibila - ۲ Misterio de Elche

۳ - Plaute - ۴ Térence - ۵ Juan del Encina

کودکی در دسته کور آواز میخواند و بعد برم رفته و در آنجا در دربار لئون دهم آواز خوان شد. در سن پنجاه سالگی به منصب کشیشی نائل آمد و از ۱۵۲۳ تا هنگام مرگ در لئون ساکن بود.

موسیقی پولیفونیک چه در زمینه مذهبی و چه غیر مذهبی در طول سده آخر قرون وسطی کم کم توسعه و پیشرفت حاصل کرد. امپراطوران بخشهای مختلف شبه جزیره اسپانیا از طرفداران مشتاق موسیقی بودند بخصوص هنری چهارم برادر ملکه ایزابل و بعداً تمام پادشاهان کاتولیک باین هنر توجه فراوانی داشتند. در محل اقامت پسر هنری چهارم، شاهزاده «دون ژوان» که در جوانی بسیار احساساتی و آتشین مزاج و دیوانه موسیقی بود، همواره تحت نظر موسیقیدان بزرگ «خوان دل آچیتا»^۱ (۱۵۲۳-۱۴۶۲) همیشه آوازهائی مترنم بود. در همان قرن چهاردهم پادشاهان آراگون تماس خود را با موسیقی غیر مذهبی در بارهای فرانسه و «فلاماند» و آلمان و همچنین با موسیقی غیر مذهبی «آوبنیون» برقرار کردند و آلفونس کبیر بخصوص عشق فراوانی به موسیقی داشت و در زمان سلطنت او نوعی مکتب پولیفونیک خاص اسپانیا پدیدار گشت.

آهنگسازها گاهی در آثار خود از ملودیهای آوازهای غیر مذهبی استفاده میکردند. از روی اطلاعاتی که موجود است يك مؤسسه ارگ سازی نیز در بارسلون در قرن سیزدهم وجود داشته است.

در «موسیقی نظری» از زمان قدیم مؤلفین بزرگی وجود داشتند. اول از همه باید از «ایزادور مقدس» اسقف اعظم سویل (متوفی بسال ۶۳۶) نام برد که رئیس يك گروه مذهبی در تولدو بود و بایکی از آثار خود موقعیتی نظیر «فیناگورث» بدست آورد. هنگامیکه آلفونس حکیم در ۱۲۵۴ تشکیلات نوینی به دانشگاه سالامانکا داد، يك مقام نیز برای استاد ارگ و آهنگسازی ایجاد نمود. در آن دوره مکتب معروف تولدو دارای اعضای بسیاری بود که از آن میان فیلسوفی بنام «دومینیکوس گوندیسالینوس» از آثار عربی برای شرح مواد موسیقی استفاده کرد و

فیلسوفی بنام « ریموند لول »^۱ که در کتاب خود بنام « هنر بزرگ » و « بلاغت » به شرح موسیقی پرداخته بود ، بین معاصرین ابن‌امپراطور بزرگ میدرخشید. « خوان کیل دو نامورا »^۲ که استاد سانچ چهارم پسر آلفونس حکیم بود کتاب مفصلی بنام « هنر موسیقی » تألیف نمود.

در شروع قرن پانزدهم شخصی بنام « فرناندو استوان » قوانینی را برای مطالعه آوازه‌های مذهبی و کنترپوان چاپ کرد که در آن همچنین آواز هائی از چند آهنگساز اسپانیائی یافت میشود.

موسیقیدان اسپانیولی « بارتولومه راموس » استاد موسیقی در دانشگاه سالامانک و بعداً در دانشگاه « بولونی » در ۱۴۸۲ کتابی بنام « موسیقی عملی » بچاپ رساند که بعلمت بداعت‌ها و نوپردازی‌هائی که در آن دیده میشود اهمیت بسزائی دارد .

مثلاً بعضی فواصل را که تا آن زمان دیسونانت (نامطبوع) میدانستند مطبوع قلمداد کرد و برای هفت نت گام هفت نام انتخاب نمود و این موضوع آتشی از اختلاف و تضاد برافروخت.

اولین کتاب موسیقی مذهبی که در اسپانیا چاپ شد حاوی آوازهای کلیسایی برای واعظین بود و اولین کتاب درسی برای موسیقی که در اسپانیا بچاپ رسید تألیف « دومینگو دوران »^۳ بود، این دواتر در ۱۴۹۲ در سویل بچاپ رسید. سال ۱۴۹۲ سال مهمی از نظر تاریخ اسپانیاست زیرا در آن سال هم به سلطه اعراب بر خاک اسپانیا پایان داده شد و هم امریکا کشف گردید .

از قرن سیزدهم اشارات عجیب و دقیقی راجع به موسیقی در آثار مختلف ادبی یافت میشود که مؤلف بعضی از آنها مشخص و بعضی دیگر مجهول است.

نفوذ موسیقی اعراب در اسپانیا آثار عمیقی برجای گذارده است . خلفای قرطبه که خوی وحشی اولیه خود را کنار گذاشته بودند آوازه‌خوانهای معروف شرق را بدر بارهای خود آورده و از موسیقیدانان عرب حمایت می‌کردند . فیلسوفی بنام « آوروئس »^۴ در آن زمان درباره آنها چنین نوشت :

Zamora - ۲ Lulle - ۱
Averroès - ۴ Duran - ۳

« ... اگر دانشمندی در شهر اشبیلیه (سویل) میبرد، کتابهایش را به قرطبه برای فروش میبردند اما اگر موسیقیدانی در قرطبه میبرد آلات موسیقی او را برای فروش به سویل حمل میکردند! » بعضی محققین و استادان مسلمان درباره موسیقی بادقت و عمق زیاد بحث میکردند - این موضوع را «ژولیان ریبرا» نشان داده است - و در میان آنان میتوان از «آواروئس» و «آومپاس»^۱ و «ابن سید» و «ابن اعظم» از اهالی قرطبه نام برد. این نفوذ زائل نشدنی موسیقی، هنوز در قرناطه و آندولس (آندالوزیا) و سایر نواحی اسپانیا بچشم میخورد.

ترجمه و اقتباس دکتر فرخ شادان

در شماره آینده، موسیقی اسپانیا در
دوره های بعد از قرون وسطی، مورد
تحلیل قرار میگیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی